

ترامپ و کیم جانگ اون رودررو با یکدیگر گفت‌وگو کردند

کیم نشست و حرف زد

گفت‌وگوی سنگاپور، قدم اول تعامل بین ایالات متحده و کره شمالی شد



Getty

کلی‌بین این دو رهبر اما حالا راه را برای دیگر مقامات دو طرف باز می‌گذارد تا دربارہ مسائل به گفت‌وگوی واقعی بنشینند و به تبادل نظر و امتیاز بپردازند تا مصالحه‌های ممکن واقعی شکل بگیرند.

یک مقایسه ناقص

نکته دیگری که باید در این وهله به آن پرداخت، مقایسه‌ای است که بین پرونده آمریکا و کره شمالی با ماجرای ایران و پنج به علاوه یک می‌شود. این دو ماجرا، از این نظر که برخورد دو کشور متهم به تسلیحات هسته‌ای یا کشورهای اتهام‌زننده‌ای از غرب هستند و از لحاظ وجود تنش که بناست با مذاکره به سمت آرامش برود، شباهت‌هایی با یکدیگر دارند. از لحاظ حضور آمریکا در هر دو پرونده، به طور قطع می‌توان از فرایند پیشرفت گفت‌وگوها در هر کدام از این دو پرونده برای دیگری برداشت‌هایی داشت و یک مقایسه گسترده بین این دو ماجرا ممکن است حاصی نکات آموزنده باشد.

اما اتفاقی که در ایران، به خصوص در فضای مجازی و بین فعالان سیاسی تکرار می‌شود، تلاش برای انطباق نعل‌به‌نعل دو فرایند، اغلب با هدف کنایه به جناح مقابل و اثبات درستی مدعای خود در بحث برجام است. گروهی به ادامه روند دستیابی به صلاح هسته‌ای، بی‌توجه به تهدیدهای آمریکا استناد می‌کنند و به حامیان مذاکره طعنه می‌زنند و گروهی دیگر، تن‌دادن کره به مذاکره را نشانه بی‌پایه‌بودن تئوری‌های طرفداران مقاومت می‌خوانند. واقعیت این است که شباهت بین دو پرونده به اندازهای که بتوان آن را این‌طور ساده‌سازی کرد و نتیجه یکسانی از هر دو انتظار داشت نیست. مسیر، هدف، مشکلات و امتیازات کره شمالی با ایران تفاوت‌هایی اساسی با یکدیگر دارند. در پرونده ایران، بازیگری مثل کره جنوبی وجود نداشت. طرف مقابل کره شمالی در مذاکره، آمریکا ترامپ است و نه آمریکای اوپاما در کنار کشور سه کشور غربی و دو کشور شرقی. سابقه جنگ مستقیم در خاک کره شمالی با ایران فرایندی متفاوت دارد. کره شمالی با جدیت و صراحت، مسیر مستقیمی به سمت دستیابی به سلاح هسته‌ای طی کرد و بعد پای میز مذاکره آمد. به عبارتی کره شمالی، نه مقاومت ادعایی بعضی تحلیلگران ایرانی را تمام و کمال پیش برد و نه مشابه ایران، در زمین قواعد حقوقی و جهانی بازی کرد. از همه این‌ها مهم‌تر اینکه هنوز کره نه برنده و نه بازنده نیست چون هنوز مسیر زیادی برای کره شمالی و ایالات متحده مانده که ممکن است به صلحی تاریخی یا به جنگی هسته‌ای منتهی شود. شاید بهتر باشد کسانی که خواهان استفاده استعاری از ماجرای کره شمالی برای طعنه‌زدن به رقبای سیاسی داخلی خود هستند، کمی تأمل داشته باشند تا مشخص شود آخر خط کره شمالی، درس است یا عبرت.

مذاکره محکوس

از سبوسی می‌توان فقدان نتایج ملموس در نتیجه مذاکره را نه ایراد مذاکره که هدفی طراحی‌شده خواند. روال معمول گفت‌وگوهای دیپلماتیک از پایین به بالاست. دیپلمات‌ها و کارشناسان فنی، با فشار رسانه‌ای کمتر، امکان و جزئیات مصالحه را بررسی می‌کنند و در صورتی که پیشرفت جدی حاصل شد، پای مقامات بالاتر می‌نشیند (با نظر به‌های توطئه منبئی بر همکاری پنهانی می‌رسد به همین دلیل، اگر اختلافی هم در مذاکرات ایجاد شود، قابل حل خواهد بود. مذاکره بین ترامپ و کیم اما از سطح رهبران آغاز شد. اگر بحث‌های جدی و جزئیات اساسی در این بحث مطرح می‌شد و در جلسه مذاکره می‌شد، نتیجه نمی‌رسید، فعلی بر گفت‌وگوها زده می‌شد، شاید فقط با اسلحه قابل بازگشایی بود. توافقات مبهم و

یا به ذکر مسئله اکتفا کرده‌اند و نشانه‌ای از همگرایی مواضع یا مشخص کردن هدف دیده نمی‌شود.

از زوایه‌ای دیگر می‌توان این‌طور برداشت کرد که آمریکا عقب‌نشینی‌هایی بیشتری نسبت به کره شمالی داشته است. کره در حالی که به سلاح هسته‌ای دست پیدا کرده، اتهام سایت‌های آزمایشی را که قبلاً هم پذیرفته و به آن‌ها اقدام کرده بود مطرح کرده است، بدون اینکه درباره اصل سلاح هسته‌ای قدیمی برداشته باشد. اما آمریکای ترامپ، فعلاً در یکی غدغغه‌های مهم کره شمالی، یعنی تعامل نظامی آمریکا با کره جنوبی، موضع کیم را پذیرفته است. پیش از این دیدار، مقامات آمریکا مانند پومپئو وزیر خارجه این مسئله را از مسائلی عنوان کردند که آمریکا فعلاً بر سر آن‌ها مذاکره نخواهد کرد، اما ترامپ در اظهاراتش بعد از دیدار با کیم، مانورهای نظامی مشترک کره جنوبی و آمریکا را «تحریک‌آمیز» خواند و گفت آن‌ها را متوقف خواهد کرد. «تحریک‌آمیز» دقیقاً عبارتی است که کره شمالی برای این مانور به کار می‌برد.

اما از طرف دیگر، در تضمین اجرای همین مواضع نیز باید تردید کرد. ترامپ، در روز پیش از این جلسه بعد از ترک کانادا اعلام کرد امضای خود پای بیانه گروه هفت را پس می‌گیرد. سابقه دولت ترامپ در اظهاراتی که تعقیب عملی ندارند، کم نیست. سال گذشته بود که او توبیتی درباره حکم ممنوعیت عضویت تراجنسی‌ها برپا شده بود، مقامات ارتش اعلام کردند، هیچ دستوری مبنی بر این ممنوعیت و روند اجرای آن به آن‌ها نرسیده

آمریکا و سپس با اصحاب رسانه‌های جهان بود.

تعاریف توافق

از لحاظ خروجی سیاسی اما با دانستان متفاوتی

مواجهیم. واکنش کارشناسان حوزه سیاست بین‌الملل، به خصوص در میان آمریکایی‌ها و دیگر کشورهای غربی، به مفاد تفاهم‌نامه منتشرشده بین ترامپ و کیم، واکنشی سرد و همراه با ناامیدی بود. آن‌ها معتقدند جلسه فعلی خروجی خاصی نداشته و به تعبیری صرفاً یک نمایش عمومی بوده؛ برای مثال، بروس کلینگر، معاون سابق واحد کره سیا و محقق ارشد فعلی بنیاد هریتج در توئیتر خود به این تفاهم‌نامه این‌گونه واکنش نشان داد: «سیار ناامیدکننده است. همه چهار نکته در اسناد اتوافقات قبلی با کره شمالی بوده و گاهی به اشکال محکم‌تری.»

او معتقد است بحث‌های مربوط به خلع سلاح هسته‌ای در این گفت‌وگوها ضعیف پیش رفته‌اند و مسائل مهم دیگری جسا افتاده‌اند. محتوای مسائلی که به عنوان سئزوه‌های توافق بین دو طرف ذکر شده‌اند، همچنان عناوین کلی و مبهمی هستند که پیش از گفت‌وگوها هم به آن‌ها اشاره شده بود. کره شمالی همچنان درباره منظرورش از عبارت خلع سلاح هسته‌ای یا به ترجمه دقیق‌تر، هسته‌های‌زدایی (denuclearization)

شفاف‌سازی نکرده و با توجه به تعابیر پیشیم دولت کره شمالی از این عبارت، این موضوع می‌تواند در‌درس‌ساز شود. چارچوب زمانی، حتی به شکلی کلی نیز تعیین نشده است. موضوعاتی که به عنوان سوزه توافق ذکر شده‌اند، یا به مسائل اصلی که بیشتر به عنوان سوزه اختلاف بین دو طرف مطرح شده بود، ارتباطی ندارند،



روح‌الله نغمی

روزنامه‌نگار

رهبران کره شمالی و ایالات متحده آمریکا، سرانجام پای میز گفت‌وگو با یکدیگر نشستند. بعد از فرازوفرودها و تردیدهای بسیار، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا و کیم جانگ اون، رهبر کره شمالی که زمانی با عباراتی تند یکدیگر را به حمله نظامی تهدید می‌کردند، در مقابل دوربین‌های رسانه‌های جهان با یکدیگر دست دادند و خوش‌وبش کردند و از صلح و حل اختلاف گفتند.

ترامپ و کیم، بدون حضور دیگر مقامات و رسانه‌ها و تنها با مترجم‌هایشان، وارد اتاق شدند تا سرانجام به گفت‌وگوی مستقیم بپردازند. گفت‌وگویی که زیر چشمان نگران جهان، آینده لاقل کوتاه مدت رابطه کره شمالی و آمریکا و احتمال تعامل و حل مشکلات بین این دو کشور هسته‌ای را مشخص می‌کرد. گفته‌ها، لحن‌ها و چهره‌های رهبران بعد از خروج اما نه از جنگ و درگیری که از مسالمت و مصالحه می‌گفت. کیم جانگ اون، وعده تغییری عمده در وضعیت جهان را داد و ترامپ از دعوت رهبر کره شمالی به کاخ سفید برای دیدار گفت. تفاهم‌نامه‌ای هم منتشر شد که بناست خشت‌اول مصالحه بین دو کشور باشد. در این تفاهم‌نامه، چهار نکته کلیدی به عنوان مسائل توافق‌شده بین دو رهبر ذکر شده‌اند:

۱. ایالات متحده و جمهوری دکوکراتیک خلق کره متعهد می‌شوند، روابط جدیدی میان دو کشور بر مبنای اشتیاق مردم دو کشور به صلح و شکوفایی برقرار کنند؛ ۲. ایالات متحده و جمهوری دموکراتیک خلق کره تلاش خواهند کرد تا صلح پایدار و فراگیر در شبه‌جزیره کره ایجاد کنند؛

۳. بسا وعده متعهدماندن بسه توافق‌نامه پانمون‌جوم در ۲۷ آوریل ۲۰۱۸، جمهوری دموکراتیک خلق کره متعهد می‌شود که در راستای خلع تمام و کمال تسلیحات هسته‌ای در شبه‌جزیره کره حرکت کند.

۴. ایالات متحده و جمهوری دموکراتیک خلق کره متعهد شدند تا مفاد مربوط به زندانیان و گمشدگان در جنگ کره را رعایت کنند و پیکرهای کشته‌شدگان را که شناسایی نشده‌اند، بلافاصله مسترد کنند؛

اتفاق بی‌سابقه دیگر در این دیدار، قرارگرفتن کیم جانگ اون در مقابل دوربین‌های و میکروفون‌های رسانه‌های جهانی بود، تا حدی که به تعبیر بعضی خبرنگاران، بسیاری از مردم دنیا برای اولین بار صدای رهبر جوان کره شمالی را می‌شنیدند و در همین گفت‌وگو بود که کیم از دنیای تازه‌ای گفت که شاید اولین نشانه‌اش همین گفت‌وگوی کیم با رئیس‌جمهور

اروپا

ایلنا وضعیت جدید فرصتی یگانه برای این اتحادیه فراهم آورده تا خود را به‌عنوان بلوکی مستقل و قدرتمند نشان دهد و چنان رفتار کند که توافق با ایران همچنان ارزشمند و معتبر است.

«اسلاوی ژیزک»، فیلسوف و نظریه‌پرداز اسلوتویایی است. وی در این مقاله که در پایگاه اینترنتی «اشا تودی» به چاپ رسیده به تصمیم اخیر رئیس‌جمهوری آمریکا درباره خروج از برجام و گفت‌وگو با رهبر کره‌شمالی و نقش تعیین‌کننده اروپا در این میان پرداخته‌است:

این احتمال وجود دارد که «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهوری ایالات متحده، دو وجه داشته باشد؛ وجه «صلح‌طلب» و وجه «متخاصم». این که کدام یک دست‌بالا را داشته باشد البته بستگی به روحیاتش دارد و احتمالاً ما این دو وجه را در مدتی کوتاه شاهد بودیم. ترامپ، پس از آن‌که تصمیم به ملاقات با «کیم جونگ اون» رهبر کره‌شمالی گرفت، اعلام کرد که از توافق هسته‌ای میان ایران و کشورهای اروپایی خارج می‌شود و بدین‌وسیله بی‌ثباتی و سایه جنگ را برای خاورمیانه (و همچنین دیگر مناطق) به همراه آورد.

البته ما تنها با یک ترامپ سر و کار داریم که در هر دو مورد یکسان عمل کرد. در مورد کره شمالی، او ابتدا فشاری شدید بر این کشور آورد، از جمله تهدیدهای شدید اقتصادی و تهدید نظامی و حالا هم دارد همین کار را با ایران می‌کند، به این امید که این استراتژی مانند دفعه قبل کارگر بیفتد.

اما آیا چنین خواهد شد؟ اگر آمریکا به‌خوبی از این نکته آگاه باشد که فشار بر ایران کارگر نخواهد افتاد چه؟ اگر آمریکا، به همراه اسرائیل و عربستان سعودی، در حال آماده‌سازی خود برای جنگ با ایران باشد چه؟

به‌سختی بتوان نتایج این درگیری احتمالی نظامی را ارزیابی کرد. در عوض باید تمرکز خود را بر محدودیت کل رویکرد ترامپ بگذاریم: آیا ترامپ نتایج اقدام‌های خود را خواهد دید؟ البته چنین و روسیه نمی‌توانند چنین کنند، چراکه درگیر بازی یکسانی هستند و اساساً به یک زبان صحبت می‌کنند: «اول آمریکا (روسیه، چین…»)

آخرین امید

تنها اتحادیه اروپا می‌تواند چنین ضربه‌ای به آمریکا وارد کند؛ وضعیت جدید فرصتی یگانه برای این اتحادیه فراهم آورده تا خود را به‌عنوان بلوکی مستقل و قدرتمند نشان دهد و چنان رفتار کند که توافق با ایران همچنان ارزشمند و معتبر است.

اسلاوی ژیزک: راه مخفی شکست ترامپ از اروپا می‌گذرد

«برونو نومر»، وزیر دارایی فرانسه، با استفاده از این فرصت گفت که باید به تصمیم ترامپ مبنی بر تحت‌فشار گذاشتن اتحادیه اروپا برای آن‌که به سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران ملحق شود یا واکنشی قوی و مستقل از سوی سیاست خارجی اتحادیه اروپا پاسخ داد: «باید در اروپا با یکدیگر همکاری داشته باشیم تا از حاکمیت اقتصادی اروپا دفاع کنیم. آیا می‌خواهیم بدون شسویم به دست‌نشانده آمریکا که برای توجه بالا و پایین می‌برد و زیر بار همه‌چیز می‌رود؟»

سخنان جالبی است، اما آیا اروپا قدرت و اتحاد کافی برای این کار دارد؟ آیا اروپایی شرقی، محور کشورهای پساکمونئیستی (از دولت‌های بالتیک گرفته تا کوراسو)، همپای با دیگر کشورهای اتحادیه اروپا در برابر آمریکا خواهد ایستاد یا آن‌که در برابر واشنگتن سر خم می‌کند و بار دیگر اثبات می‌کند که گسترش سریع اتحادیه اروپا در بخش شرقی قاره سبز اشتباه بود؟

آن‌چه وضعیت را پیچیده‌تر می‌کند این است که اروپا درگیر اعیان‌های پوپولیستی خود است که خود نشان از این دارد که هر چه می‌گذرد، مردم کمتر و کمتر به دیوان‌سالاری بروکسل اعتماد دارند و آن را مرکز قدرتی می‌دانند که هیچ مشروعیت دموکراتیکی ندارد.

نتیجه انتخابات اخیر در ایتالیا این است که برای نخستین بار در یک کشور توسعه‌یافته در غرب اروپا، یک دولت پوپولیست و اروپاستیز به قدرت رسید. به‌علاوه، خروج آمریکا از توافق هسته‌ای یکی از سه اقدام ضداروپایی ترامپ بود؛ انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به بیت‌المقدس، با وجود مخالفت اروپایی‌ها و همچنین آغاز جنگ تجاری با سه شریک تجاری عمده خود و اعمال تعرفه‌های گمرکی بر واردات فولاد و آلومینیوم بر اتحادیه اروپا، کانادا و مکزیک.

دیدگاه دیگر

گرچه بیشتر ما با واکنش اروپا همدردی می‌کنیم، اما (بعنوان قانونی که اغلب به آن بی‌توجهی می‌شود) نباید پس‌زمینه تصمیم آمریکا را از یساد ببریم. برای درک ماهیت این تصمیم، بیایید سراغ موضوعی برویم که ممکن است آدر نگاه اول اً کاملاً متفاوت به‌نظر برسد، جنجال فعلی در آمریکا بر سر لغو سرپال معروف «وزان» در شبکه تلویزیونی «ای‌بی‌سی» در پی اظهارات اخیر «روزان بار»، ستاره این سریال، در شبکه اجتماعی توئیتر.

«جون ویلیامز»، نویسنده و مقاله‌نویس، در روزنامه گاردین ستونی نوشت و در آن استدلال کرد که باید به طیفه کارگر

سفیدپوست گوش فرا داده شود. او صریحاً به این نکته اشاره می‌کند که چطور به حقیقتی کلیدی در این قضیه بی‌توجهی می‌شود: لغو «یکی از تنها سریال‌های همدل با زندگی طبقه کارگر سفیدپوست در تلویزیون می‌باشه آمریکا در نیم قرن گذشته؛ یا به عبارات دیگر، از زمان آغاز به‌کار این جعبه جادویی».

ویلیامز آشکارا از راز بان و پیام توئیتری نژادپرستانه‌اش حمایت می‌کند، اما می‌افزاید: «با این وجود، نژاد، یگانه سلسله‌مراتب اجتماعی نیست. تصویر گستاخانه از طبقه کارگر سفیدپوست بخشی از بی‌حرمتی فرهنگی است که راه را برای افرادی عوام‌فریب چون ترامپ هموار کرد.» ایر این اساس، مشخصه غم‌انگیز طبقه کارگر سفیدپوست آشکارترین نشانه‌از ناپدید شدن رؤیای آمریکایی است.

«کمبایش، تمام آمریکایی‌هایی که در دهه ۱۹۴۰ زاده شدند پیش از والدین‌شان درآمد داشتند؛ امروزه آمریکایی‌ها نصف پدر و مادرشان درآمد دارند. خیزش مردمان ناحیه زنگار شمال خاوری و مرکزی ایالات متحده که صنایع آن قدیمی و جمعیت آن ظاهراً رو به کاهش است» که در آمریکا ترامپ و در بریتانیا برگزیت را به دنبال داشت، نشان‌دهنده کارخانه‌های رو به اضحلال، شهرهای متروک و نیم‌قرن وعده‌های توخالی است. آنان که آاز فرایند پیشرفت‌جا مانده‌اند بسیار عصبانی هستند و ترامپ نشانگان این خشم است. هر چه ترامپ بیشتر نخیگان ساحلی آمردمان تحصیل کرده آمریکا که بیشتر در شهرهای ساحلی شمال‌شرقی ساکن هستند و گرایش‌های سیاسی لیبرال دارند را برآشفته کند، پیروانش احساس پیروزی بیشتری می‌کنند. دست آخر، کسی هست که به آن‌ها توجه کند؟

و جنگ تعرفه‌های گمرکی آمریکا علیه نزدیک‌ترین متحدانش را باید در چنین زمینه‌ای قرائت کرد: هدف ترامپ، در چارچوب نسخه پوپولیستی‌اش از جنگ طبقاتی، حمایت از طبقه کارگر آمریکا (مگر نه آن‌که کارگران حوزه فولاد فیگوو نامدین و سنتنی طبقه کارگر هستند؟) در برابر رقابت «غیرمنصفانه» اروپایی است و به حفظ مشاغل در ایالات متحده کمک می‌کند. به همین خاطر است که اعتراض تمام‌مقام‌های سیاسی و اقتصادی در اروپا، کانادا و مکزیک و همچنین اقدام‌های متقابل صورت‌گرفته از سوی آن‌ها از هدف اصلی فاصله بسیار دارند؛ آنان همچنان از منطق سازمان تجارت بین‌المللی درباره تجارت جهانی و آزاد دفاع می‌کنند، حال آن‌که تنها یک گرایش چپ‌گرای نوین که به نگرانی‌های آنان

زیرنویس

بازداشت ۴ تن در ارتباط با آتش‌سوزی در مخازن آرای انتخاباتی بغداد

ایسنا | دستگاه قضایی عراق چهار تن از جمله سه نیروی پلیس و یکی از کارمندان کمیسرای انتخابات را در ارتباط با واقعه آتش‌سوزی در مخازن صندوق‌های رای در بغداد بازداشت کرد.

به گزارش ایسنا، به نوشته روزنامه مستقل رای‌ایوم، قاضی عبدالستار البیرقدار، سخنگوی شورای قضایی عالی عراق از جمع خبرنگاران اعلام کرد، در رابطه با حادثه آتش‌سوزی در مخازن صندوق‌های کمیسرای عالی و مستقل انتخابات در بغداد چهار متهم بازداشت شدند

البیرقدار گفت: دادگاه تحقیقات‌الرافعه، چهار تن را در این رابطه بازداشت کرد که سه تن از آنها جزو نیروهای پلیس و نفر چهارم کارمند کمیسرای انتخابات بود. سخنگوی شورای قضایی عالی عراق افزود: شورا بارها به کسانی که بخواهند اسناد مربوط به انتخابات را دستکاری کنند، هشدار داده بود که با شدیدترین حالت ممکن با آنها برخورد خواهد کرد.

زیرنویس: ماجرای این آتش‌سوزی با گذشت زمان احتمالاً جدی‌تر و جدی‌تر خواهد شد. مسئول یا مسئولان این آتش‌سوزی، یا به دنبال از بین‌بردن شواهد تخلفی واقعی در انتخابات بوده‌اند یا قصد داشته‌اند صرفاً در روند انتخابات اخلال و فضا را متشنج کنند. اگر دولت عراق در تحقیقات خود موفق شود عواملان این آتش‌سوزی و آمران آن را مشخص کند، عواقب تعیین‌کننده‌ای در پی خواهد بود و چشم‌انداز روابط داخلی یا خارجی عراق، یا هر دو، دستخوش تغییر خواهد شد.

دیدار اوپاما با گزینه‌های نامزدی ۲۰۲۰

به گزارش روزنامه اکسپرس، باراک اوپاما، رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا برای شرکت در دور بعدی انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا آماده می‌شود. او با ۹ باقی‌بمانده‌ای علیه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا از جمله برنی سندرز، الیزابت وارن، جو بایدن و دیوال پاتریک، اعضای حزب دموکرات آمریکا دیدارهای جداگانه‌ای داشته‌است.

گفته می‌شود، این دیدارها در دفتر شخصی باراک اوپاما، رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا برگزار شده و شامل گفت‌وگوهایی در خصوص آینده حزب دموکرات می‌باشد.

منابع آگاه به پایگاه خبری پلیتیکو گفته‌اند که برنی سندرز از حدی که تصور می‌شد احترام بیشتری برای دولت پیشین آمریکا قائل است. همچنین گفته می‌شود که این سناتور دموکرات در اواسط ماه مارس دیدار با اوپاما را خواستار شده بود.

الیزابت ورن نیزس از زمان پایان کار دولت اوپاما، دیوار با او دیدار کرده‌است. نخستین دیدار میان این دو مقام آمریکایی در بهار سال ۲۰۱۷ و پس از آن بود که ورن اظهار کرد، ۴۰۰ هزار دلاری که اوپاما پس از سخنرانی در شرکت سرمایه‌گذاری وال‌استریت دریافت کرده، برای او «درسدساز» شده‌است.

دیوال پاتریک، فرماندار سابق ماساچوست که دوست خانوادگی نزدیک اوپاما نیز است، دیگر مقام دموکراتی است که برای انتخابات ۲۰۲۰ نامزد خواهد بود.

یکی از منابع مرتبط با این دیدارها گفته‌است: اوپاما سخاوتمندانه زمان توصیه‌های خود را در اختیار آنان می‌گذاشت و بسیار علاقه‌مند به صحبت درباره آینده بود.

جو بایدن، معاون سابق ریاست جمهوری آمریکا نیز روابط نزدیکیش را با او حفظ کرده و او نیز در ماه ژانویه دیداری با اوپاما داشته‌است.

زیرنویس: اوپاما به عنوان یک رئیس‌جمهور سابق، بسیار جوان است، به شکلی که در دوران معاصر آمریکا بی‌سابقه است. او نزدیک به دودهه از گزینه‌های اصلی نامزدی ریاست‌جمهوری آمریکا در ۲۰۲۰ جوان‌تر است؛ از این رو، می‌توان تصور کرد که برخلاف اسلاف خود، بعد از گذراندن مدت لازم و کافی خارج از صحنه سیاسی، کم‌کم برای نقش‌آفرینی جدی‌تر به مرکز تحولات سیاسی آمریکا برگردد و فرایند حتی روزی دوباره وارد ساختارهای سیاسی هم بشود. در تاریخ آمریکا بوده‌اند رؤسای جمهوری که دوباره نامزد ریاست‌جمهوری شده‌اند یا حتی سمت‌های دیگری در سنا یا دستگاه‌های دیگر گرفته‌اند.

مشاور اقتصادی کاخ سفید دچار عارضه قلبی شد

ایلنا | به گزارش ایلنا به نقل از خبرگزاری رویترز، «لری کالدو»، مشاور اقتصادی کاخ سفید، روز شنبه سسکته قلبی کرد. کالدو که از منافعان پروپاقرص سیاست‌های تجاری «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهوری آمریکا، است در یک بیمارستان در واشنگتن بستری است و در حال حاضر وضعیت مناسبی دارد. این خبر را کاخ سفید در یک بیانیه اعلام کرد. ترامپ خبر سسکته لری کالدو را، دقیقایی پیش از دیدار تاریخی با رهبر کره شمالی، در حساب توئیتری خود اعلام کرد. «سارا سندرز»، سخنگوی کاخ سفید در بیانیه‌ای گفت که کالدو «سکته‌های قلبی» داشته‌است. او گفت: «لری» در وضعیت خوبی قرار دارد. و دکترها انتظار دارند که او به‌زودی بهبود پیدا کند.»

زیرنویس: روزهای اخیر به دلیل اختلافات بر سر مسائل اقتصادی بین دولت آمریکا با چند کشور دیگر و انتقادات داخلی از این روند، روزهای به‌شدت پرکار و پراسترسی برای کالدو بوده‌اند. او علاوه بر جلسات متعددی که احتمالاً در کاخ سفید داشته، در این چند روز روزی آنتن شبکه‌های مختلف مشغول دفاع از دولت و توضیح مواضع آن بوده‌است. اتفاقات این‌چنینی مانند گرفتگی کمر جواد ظریف در جریان مذاکرات هسته‌ای ایران، به ما یادآوری می‌کنند که شخصیت‌های سیاسی نیز انسان‌هایی هستند با محدودیت‌های معمول در توانایی‌های بدنی و یک آدم هفتادوچندساله، چندین روز روبرفشار را ممکن است طاقت نیابد.